

مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران

میرابراهیم صدیق بطحایی اصل - نصرت‌اله حیدری
اعضای هیئت علمی گروه علوم سیاسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

صدیق بطحایی اصل، میرابراهیم، ۱۳۵۲.
مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران / میرابراهیم صدیق بطحایی اصل، نصرت‌اله حیدری ایلام: رامان،

۱۳۸۵. ۲۵۶ صفحه. جدول. ۲۵۰۰۰ ریال ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۲۲-۰۶-۸

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا: کتاب‌نامه: ص ۲۴۹ - ۲۵۶. حیدری، نصرت‌اله، ۱۳۵۳.

نفت - ایران - صنعت و تجارت - جنبه‌های سیاسی.

نفت - ایران - صنعت و تجارت - جنبه‌های اقتصادی.

نفت - ایران - صنعت و تجارت - تاریخ.

۴ ص ۹۲ الف / HD ۹۵۷ / ۲۷۲۲۲۰۹۵۵ / ۳۲۸ کتابخانه ملی ۴۹۲۵۱ - ۸۵ م

نام کتاب مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران

مؤلفین میرابراهیم صدیق بطحایی اصل - نصرت‌اله حیدری

ناشر انتشارات رامان

صفحه آرایي علی روشنی زاده

طرح جلد مجتبی بساطنیا

چاپ و صحافی صدف قم

نوبت چاپ اول ۱۳۸۶

شمارگان ۱۰۰۰ جلد

قیمت ۲۵۰۰ تومان

شابک ISBN ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۷۲۲ - ۰۶ - ۸

نشانی ناشر: ایلام - بلوار آزادی - آزادی یک - جنب استخر صدف

تلفکس ۲۳۳۱۹۱۱ همراه ۰۹۱۸۸۴۱۵۹۲۱ ص پ ۵۱۵ - ۶۹۳۱۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۱	۱. نظریات پیدایش نفت
۲۴	۲. تاریخچه آشنایی مردم با نفت
۲۸	۳. تعریف مفاهیم در صنعت نفت

فصل اول - قراردادهای امتیازات نفتی

۳۵	۱. قراردادهای امتیازات نفتی در ایران
۳۷	۱-۱. امتیاز هوتز
۳۷	۱-۲. امتیاز رویتر
۴۳	۱-۳. امتیاز بانک شاهنشاهی
۴۵	۱-۴. امتیاز دارسی
۵۲	۱-۳-۱. شرکت نفت انگلیس و ایران
۵۶	۱-۳-۲. اختلاف بین شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت ایران
۵۹	۱-۳-۳. قرارداد آرمیتاژ اسمیت
۶۲	۱-۴-۱. الغای امتیاز دارسی
۶۸	۱-۴-۲. شکایت انگلستان از ایران به جامعه ملل متحد
۷۱	۱-۴-۳. پشت پرده الغای قرارداد دارسی و امضاء قرارداد ۱۹۳۳
۷۴	۱-۴-۴. قرارداد ۱۹۳۳

فصل دوم - امتیاز نفت شمال

۱. نفت شمال ۸۱
- ۱-۲. رقابت‌های آمریکا و انگلستان در مورد نفت شمال ۸۲
- ۱-۳. کمپانی نفت آمریکا - ایران ۸۶
۲. تلاش دولت‌ها برای کسب امتیاز نفت در دوران جنگ جهانی ۸۷
- ۲-۱. ارزیابی انگیزه دولت‌ها از تقاضای امتیاز نفت ۹۰
- ۲-۲. قرارداد نفت ایران و شوروی، پایان جنگ جهانی دوم ۹۲
- ۲-۳. پایان جنگ جهانی دوم و تخلیه ایران ۹۵
- ۲-۳-۱. امتیاز قوام سادچیکوف ۹۵
- ۲-۳-۲. مذاکرات قوام السلطنه با دولت شوروی ۹۹
- ۲-۳-۳. شرکت مختلط ایران و شوروی ۱۰۱
- ۲-۳-۴. شرایط شرکت مختلط ایران و شوروی ۱۰۲
- ۲-۳-۵. اولتیماتوم آمریکا به شوروی ۱۰۶
- ۲-۳-۶. عاقبت حکومت خود مختار آذربایجان ۱۰۸

فصل سوم - ملی شدن صنعت نفت

۱. قرارداد الحاقی گس - گلشانیان ۱۱۳
۲. متن قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت ۱۲۲
- ۲-۱. دکتر محمد مصدق ۱۲۳
- ۲-۲. آیت الله ابولقاسم کاشانی ۱۳۱
۳. حوادث بعد از ملی کردن صنعت نفت ۱۳۳

- ۳-۱. پیشنهاد جکسون ۱۳۵
- ۳-۲. پیشنهاد استوکس ۱۳۶
- ۳-۳. پیشنهاد بانک جهانی ۱۳۹
- ۳-۴. پیشنهاد مشترک چرچیل - ترومن ۱۴۰
- ۳-۴-۱. دومین پیشنهاد مشترک انگلستان و آمریکا ۱۴۲
۴. تلاش‌های انگلیس برای مقابله با ملی شدن صنعت نفت ۱۴۵
۵. قطع روابط سیاسی با انگلستان ۱۴۶
- ۵-۱. تحریم خرید نفت ایران ۱۴۷
- ۵-۲. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۱۴۹
۶. تشکیل کنسرسیوم نفت ۱۵۵
- ۶-۱. اهم موارد قرارداد کنسرسیوم ۱۵۹
- ۶-۲. معایب قرارداد کنسرسیوم ۱۶۳
- ۶-۳. عاقبت قرارداد کنسرسیوم ۱۶۴
۷. قرارداد خرید و فروش ۱۹۷۳ - سن مورتیس ۱۶۴

فصل چهارم - اوپک

۱۶۹. سازمان کشورهای صادرکننده نفت؛ اوپک (OPEC) ۱۶۹
۱. تاریخچه اوپک ۱۷۱
۲. ارکان اوپک ۱۷۲
- ۲-۱. کنفرانس اوپک ۱۷۲

۱۷۳	۲-۲. هیأت عامل
۱۷۳	۲-۳ دبیرخانه
۱۷۳	۲-۳-۱. دبیرکل
۱۷۴	۲-۳-۲. دبیرخانه عمومی
۱۷۴	۲-۳-۳. شعبه مطالعات و تحقیقات
۱۷۵	۲-۳-۴. اداره مطالعات انرژی
۱۷۵	۲-۳-۵. اداره تحلیل بازار نفت
۱۷۶	۲-۳-۶. اداره خدمات آماری
۱۷۶	۲-۳-۷. اداره منابع انسانی و امور اداری
۱۷۷	۲-۳-۸. اداره روابط عمومی و اطلاعات
۱۷۷	۲-۳-۹. هیأت کمیسیون اقتصادی
۱۷۷	۳. هدفهای سازمان
۱۷۹	۴. عضویت
۱۸۱	۵. عملکرد اوپک
۱۸۳	۶. اوپک و جهانی شدن
۱۸۶	۷. آینده اوپک
۱۸۸	۷-۱. عوامل سیاسی
۱۸۸	۷-۲. عوامل اقتصادی
۱۸۹	۷-۳. تحولات قیمت نفت
۱۸۹	۷-۴. عوامل فرهنگی
۱۹۰	۷-۵. تولید غیر اوپک و همکاری با اوپک
۱۹۲	۸. شوک های نفتی
۱۹۲	۸-۱. شوک اول نفتی سال ۱۹۷۳
۱۹۸	۸-۲. شوک دوم نفتی سال ۱۹۷۹
۲۰۰	۸-۳. شوک سوم نفتی سال ۱۹۸۶

فصل پنجم

آژانس بین المللی انرژی ۲۰۵

فصل ششم

۱. تأثیر نفت در اقتصاد ایران از تاریخ کشف منابع نفتی در ایران ۲۱۵
- ۱-۱. اثرات غیر مستقیم نفت در اقتصاد کشور ۲۱۶
- ۱-۲. رانت ، اقتصاد رانتیر ، دولت رانتیر ۲۱۷
- ۱-۲-۱. تفاوت دولت‌های رانتیر و غیر رانتیر ۲۱۹
- ۱-۲-۲. تأثیر رانت و رانتیرالیسم در اقتصاد ۲۲۱
- ۱-۲-۳. پیشنهادات برای خارج شدن از دولت رانتیر ۲۲۲

فصل هفتم - قراردادهای نفتی

- انواع قرار دادها ۲۲۶
- ۱-۲. مبانی و اصول مشترک امتیازها ۲۲۹
۲. قراردادهای مشارکت ۲۳۴
- ۲-۱. موافقتنامه‌های مشارکت در تولید ۲۳۴
- ۲-۱-۱. اکتشاف ۲۳۵
- ۲-۱-۲. اداره فنی و اجرایی ۲۳۵
- ۲-۱-۳. بازاریابی ۲۳۵

- ۲۳۷ ۲-۲. قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری
- ۲۳۹ ۳. قراردادهای خدماتی
- ۲۳۹ ۳-۱. قراردادهای صرفاً خدماتی
- ۲۴۰ ۳-۲. قراردادهای خرید خدمات خطر پذیر
- ۲۴۰ ۳-۳. قراردادهای خدماتی بیع متقابل
- ۲۴۳ ۴. ارزیابی انواع قراردادها
- ۲۴۹ فهرست منابع

www.ketab.ir

پیشگفتار

پیش‌گفتار

نفت به عنوان ماده حیاتی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته جایگاهی استراتژیک یافته است و هیچ‌گاه نتوانسته در جهت منافع یک طیف خاصی باقی بماند. تاریخچه صنعت نفت در سطح جهان به‌ویژه در کشورهای تولیدکننده نفت خام منطقه خاورمیانه و خلیج فارس از این حکایت دارد که همیشه منافع کشورهای غربی و صنعتی در اولویت بوده است، لیکن سرنوشت جوامع مختلف با پراکندگی سیاسی آنها نتوانسته است با منافع کشورهای صنعتی همسو شود و با ملی شدن صنعت نفت در اکثر کشورهای جهان سوم و آگاهی سیاسی آنها نتوانسته است از هجوم گسترده کشورهای سرمایه‌داری غربی ممانعت کند. نفت طلای سیاه‌رنگی است که همچون خون در رگ‌های کشور صاحب نفت در حال حرکت است. نفت در خود دارای نوعی قدرت ذاتی است که قادر است به دارنده آن هم توان اقتصادی و هم توان سیاسی بخشد.

منشأ این قدرت از آنجاست که:

اولاً: قابلیت تبدیل به ارزهای مهم بین‌المللی را همواره و به راحتی در خود داشته و برخلاف ارزهای بین‌المللی که در صورت بروز بحران در حال از دست دادن ارزش خود می‌باشند، ارزش نفت همچون طلا افزایش می‌یابد.

ثانیاً: عرصه رقابت به دلیل محدودیت عرضه بسیار کم‌رنگ است. کشورهای عمده عرضه‌کننده نفت در جهان به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسند. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که هر سال ذخایر آنها افت داشته و استخراج نفت با صرف هزینه‌های بیشتری امکان‌پذیر می‌گردد.

ثالثاً: کلیه تحولات اقتصادی در سطح جهان با مقوله نفت عجین شده و رابطه بسیار تنگاتنگ دارد.

اگر توسعه را در یک تعریف افزایش سطح برخورداری و رفاه جامعه بدانیم، نفت جایگاه ویژه‌ای در افزایش سطح رفاه و جوامع کسب می‌نماید. باید

گفت که در سال‌های اولیه مربوط به پیدایش و کشف نفت با توجه به قابلیت‌های بسیار پایین و استفاده‌های بسیار محدود هیچ‌گاه نتوانست در معادلات سیاسی و اقتصادی جهان به ایفای نقش بپردازد.

ولی با شروع جنگ جهانی اول، نفت بستر تحولات اقتصادی و به تبع آن سیاسی جهان قرار گرفت و به سرعت اهمیت خود را در معادلات سیاسی بین‌المللی باز یافت. انگلستان اولین کشوری بود که از نفت به عنوان سوخت نیروی دریایی خود استفاده نمود و باعث شد که توجه همگان به این ماده حیاتی معطوف گردد. همچنین با توسعه صنعت و دستیابی به مشتقات نفتی، اهمیت نفت به صورت روزافزون افزایش یافت، آنچنان که کشورهای صاحب قدرت را به چاره‌اندیشی واداشت. چرا که عمده‌ی مخازن نفتی جهان در کشورهای جهان سوم که عمدتاً از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی در اندازه‌های بسیار ضعیف بودند، آرمیده بود و این موضوع می‌توانست موازنه‌ها و معادلات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی را بر هم زند. به دنبال آن، کشورهای قدرتمند جهان در جهت مهار این قدرت فزاینده برآمدند که البته تا حدود زیادی نیز در این رابطه موفق بودند. آنان از روش‌های مختلفی در جهت محدود ساختن این ابزار قدرت استفاده کردند. از جمله تشکیل کارتل‌ها و تراست‌های نفتی، مهار تکنولوژی تولید و توزیع به نحوی که به شکل غیرقابل تصویری مانع دستیابی سایر کشورها به خصوص کشورهای دارای منابع نفتی به آن شدند. این موضوع از یک‌سو و از سوی دیگر امر سرمایه‌گذاری در غالب کشوری تولیدکننده توسط این شرکت‌ها صورت می‌پذیرد. این امر تا به آنجا پیش رفت که حتی رهبران سیاسی غرب خود به طور مستقیم در زمینه تولید، توزیع و فراوری مشارکت دارند. این سرمایه‌گذاری‌ها مانع سرمایه‌گذاری سایر کشورهای جهان گردید و به نوعی مقوله تولید و توزیع در دستان کشورهای صاحب قدرت باقی ماند. هر دو این سیاست به منظور دستیابی به منافع نفتی می‌باشد و این کشورها در راه رسیدن به این سیاست از هیچ اقدامی ابایی ندارند. به همین خاطر این دوران را می‌توان با جنگ‌های فراوان

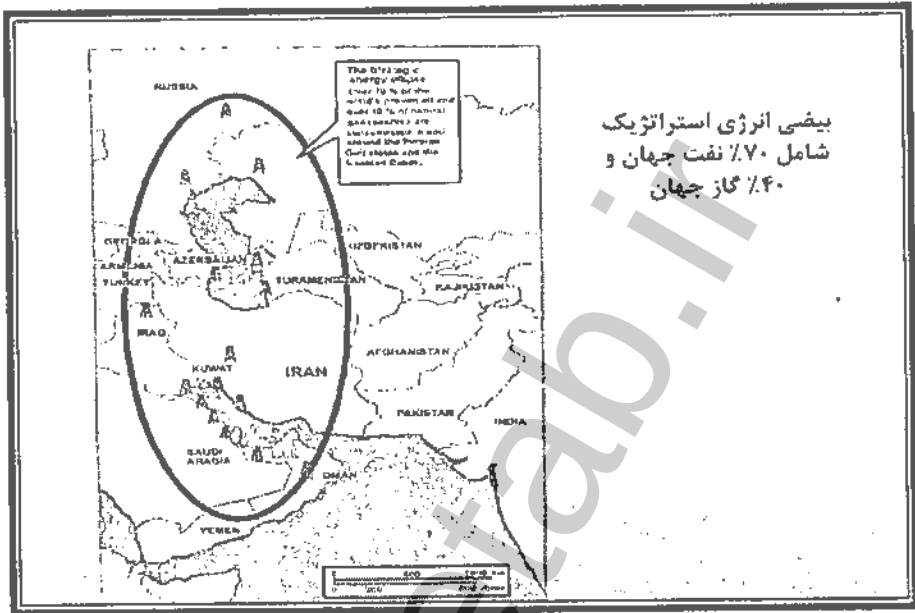
بر سر تصاحب منافع نفتی که تا امروز همچنان به شکل پیچیده‌ای ادامه دارد، مقارن دانست.

تاریخ نفت سرشار از فراز و نشیب است. آنچنان که می‌توان بازار نفت را پرنوسان‌ترین بازار از زمان شکل‌گیری نظریه‌های اقتصاد دانست. بحران‌های گاه و بی‌گاه که برخی متوالی و پیوسته بوده‌اند و برخی در فاصله‌های طولانی کلیه معاملات اقتصادی در بازارهای مختلف را تحت تأثیر قرار داده و در بعضی مواقع روند رشد اقتصادی جهان را با نوسات بسیار مواجه می‌کند. اولین بحران نفتی در تاریخ اوپک در سال ۱۹۶۷ در شرایطی اتفاق افتاد که جنگ اعراب و اسرائیل در اول ماه ژوئن شروع شد و به دنبال آن با مسدود شدن کانال سوئز، قیمت نفت افزایش یافت. بحران دیگر نفت در سال ۱۹۷۳ صورت گرفت که کشورهای عربی عضو اوپک از نفت به عنوان یک اسلحه‌ی سیاسی استفاده کردند تا سیاست امریکا در خاورمیانه را تحت تأثیر قرار دهند. بحران دیگر نفت در سال ۱۹۷۹ و زمانی بود که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. بحران بعدی نفت مربوط به سال ۱۹۸۶ است با این تفاوت که این بار قیمت نفت افزایش نیافت بلکه بسیار کاهش یافت. بحران دیگری که در بازار نفت اتفاق افتاد مربوط به اوایل دهه‌ی ۹۰ بود که بحران خلیج فارس بازار طلای سیاه را تحت تأثیر قرار داده بود. این بحران با اشغال کویت توسط ارتش عراق در سال ۱۹۹۰ آغاز شد و کاهشی سریع در صدور و عرضه نفت در بازارهای جهانی پدید آمد.

محور علم سیاست قدرت است. نقش قدرت در روابط بین‌الملل مهم و حائز اهمیت است. توسعه اقتصادی یکی از مهمترین فاکتورهای قدرت در هر کشوری است. برای دستیابی به قدرت سیاسی باید قدرت اقتصادی داشت. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی به شدت به یکدیگر وابسته‌اند. آنها که قدرت سیاسی در اختیار دارند، سعی دارند که قدرت اقتصادی را هم به دست آورند.

عکس آن هم صادق است. هر طبقه‌ای که در گذشته وسیله‌ی تولید ثروت را در اختیار داشتند، اعمال قدرت سیاسی نموده و حکومت را به دست گرفتند. این قدرت سیاسی و به تبع آن قدرت اقتصادی می‌تواند باعث قدرتمندی هر کشوری در منطقه و در جهان باشد. وقتی که منبع اصلی تولید ثروت در هر کشوری انرژی باشد، آن کشور با تکیه بر مدیریت و سیاست درست می‌تواند قدرتش را در سطح ملی و بین‌المللی نشان دهد. از طرفی پیشرفت تکنولوژی هم از عناصر قدرت ملی در عصر حاضر است. در گذشته کشورهایی مانند انگلیس، آمریکا و فرانسه از منابع انرژی خود مثل زغال‌سنگ نهایت استفاده را کردند. یعنی زغال‌سنگ برای آنها نمادی از قدرت بود. اما کشورهای خاورمیانه با وجود داشتن منابع وسیع نفت و گاز به دلیل نداشتن تکنولوژی و صنعتی نبودن از کشورهای قدرتمند محسوب نمی‌شوند. ۷۰ درصد نفت خام جهان و ۴۰ درصد گاز جهان در منطقه خاورمیانه قرار دارد که نشان از اهمیت و پتانسیل بالای منطقه برای ایجاد پیوندهای مستحکم اقتصادی بین کشورهای منطقه از طریق انرژی را دارد.

انرژی می‌تواند عاملی برای پیوندهای اقتصادی باشد. پیوندهای اقتصادی به دنبال خود پیوندهای سیاسی، فرهنگی و از همه مهمتر پیوند امنیتی ایجاد می‌کنند. کشور ما نه تنها از لحاظ ژئوپلیتیکی نسبت به دیگر کشورهای منطقه از برتری برخوردار است، بلکه از نظر انرژی به‌ویژه نفت و گاز در زمره‌ی غنی‌ترین کشورهای جهان است. میزان ذخایر اثبات شده نفت خام ایران در آغاز سال ۱۳۸۴ معادل ۱۳۷/۴۹ میلیارد بشکه و ۲۷/۷۴ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی است که ۱۱/۴ درصد مجموع ذخایر نفتی جهان و ۱۵/۲ درصد مجموع ذخایر گازی جهان را داراست. تاریخ اتمام ذخایر قابل استحصال کشور در صورت کشف نشدن ذخایر جدید و برداشت سالانه معادل سال ۱۳۸۳ برای نفت خام و میعانات گازی حدود ۸۷ سال و برای گاز حدود ۱۷۹ سال است.



به خوبی می‌دانیم که نفت در خاورمیانه برای اولین بار در کشور ما تولید شد. از آن زمان تاکنون نزدیک به ۹۵ سال می‌گذرد. در خلال این مدت، بیش از ۵۵ میلیارد بشکه نفت خام از میادین کشور تولید شد که بیشتر برای رفع نیاز کشورهای پیشرفته صنعتی به خارج از کشور صادر شده است. نفت ماده‌ای است تجدیدنپذیر که متعلق به نسل فعلی و نسل‌های آینده است. بدیهی است در آینده‌ای نه‌چندان دور، فرزندان ما مجبور خواهند بود که نفت خام وارد کنند. اگر تاکنون حجم عظیمی از ذخایر نفتی کشور برداشت شده است، علت را باید در تسلط شرکت‌های بزرگ نفتی بر صنعت نفت کشور جستجو کرد. زیرا شرکت‌های بین‌المللی نفتی، سالیان سال این ثروت ملی را با ارزان‌ترین قیمت در اختیار دارند. اگر ما می‌بایست با عرضه ثروت نسل‌های آینده، نیاز مبرم کشورهای پیشرفته صنعتی به نفت خام را پاسخ دهیم، آیا آنها نیز پذیرفته‌اند که نیاز مبرم کشور ما را به نفت، هنگامی که دیگر نفتی برای مصرف داخلی نداریم، تأمین کنند؟ آن هم با قیمتی در سطح قیمت‌هایی که ما سال‌ها به آنها عرضه کرده‌ایم؟

پاسخ ما کاملاً روشن و واضح است که عرضه نفت به کشور ما و هر کشور دیگر صادر کننده نفت از سوی کشورهای پیشرفته تضمینی ندارد. بنابراین این ما و مسئولین کشور هستند که با سرمایه‌گذاری‌های مشخص در صنعت نفت بتوانند از نفت تولید شده به نحوی استفاده نمایند که صرفاً صادر کننده نفت خام نباشیم.

این نوشتار در ۷ فصل تنظیم شده است و سعی بر آن دارد تا تمامی سرفصل‌های درس مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران را که در رشته‌ی علوم سیاسی تدریس می‌شود، در بر داشته باشد و همچنان در حد توان به موضوعات کمکی که می‌تواند به فهم مطالب درسی دانشجویان کمک نماید، پرداخته شده است.

مقدمه

مقدمه

نقش نفت در حیات اقتصادی - تکنیکی بشر به خصوص در چند دهه‌ی اخیر به جایی رسیده است که باید آن را ماده‌ی اساسی زندگی نامید. هیچ جنبه‌ای از زندگی مادی نیست که نفت به طور زیر بنایی در آن رخنه نکرده باشد. همه‌ی جنبه‌های زندگی اعم از کشاورزی، بهداشت، آموزش و پرورش، حمل و نقل، اقتصاد، سیاست، ارتش، امکانات رفاهی و درون خانگی و غیره بر پایه‌ی تکنولوژی بنا شده است. نقش تکنولوژی در زندگی امروزه همانند و یا حداقل خیلی نزدیک به نقش هوا و آب است. همان طور که تصور زندگی بدون هوا و آب تصوری باطل است، تصور زندگی بدون وجود تکنولوژی فعلی تصوری بیهوده و باطل می‌باشد.

همین تکنولوژی که امروزه وجودش برای زندگی به مانند آب و هوا ضروری و اجتناب‌ناپذیر شده است، در تمام ابعاد و جهات خود احتیاج به انرژی دارد تا آن را به حرکت و چرخش در بیاورد. تکنولوژی بدون انرژی مانند جسم بی‌خون، مرده، بی‌حرکت و فاقد ارزش است. از طرفی، اصلی‌ترین ماده انرژی‌زا که در حال حاضر در دسترس این تکنولوژی قرار دارد و آن را به حرکت در می‌آورد، نفت است.

۱. نظریات پیدایش نفت

در گذشته‌های نه‌چندان دور، شیمی‌دان‌ها بر این باور بودند که نفت در اثر واکنشهایی که به کمک انرژی خورشیدی یا حرارت درون زمین بین دی‌اکسید کربن (CO_2)، آب و مواد معدنی صورت می‌گیرد، به وجود آمده است. اما بعدها این نظریه دگرگون شد. طرفداران این نظریه معتقد بودند که گاز متان (CH_4) که یکی از ترکیبات نفت است، در بسیاری از جاها از جمله در بین گازهای خارج شده از آتشفشان‌ها و یا سنگهایی که در اثر حرارت و فشار زمین دگرگون شده‌اند، به دست می‌آید. مطالعات دقیق‌تر نشان داد که گاز متان در حدی نیست که بتواند

در اثر تغییرات فیزیکی و شیمیایی که رخ خواهد داد و جزئیات آن تاکنون شناخته نشده است، به نفت تبدیل می‌گردند. دانشمندان توانسته‌اند تجزیه و ترکیب مواد آلی پلانکتون‌ها را تا مرحله‌ای که نام آن را ساپروپل گذاشته‌اند، تعقیب نمایند. بعد از آن می‌گویند کاتالیزورهای بسیار (مواد شیمیایی که ترکیبات را تسریع می‌کند) و آنزیم‌ها نقش دارند که طی میلیاردها سال نفت ایجاد خواهند کرد. رسوب‌گذاری‌ها ادامه خواهد داشت و فشار لایه‌ها مانند این است که اسفنجی را در دست مجاله کنیم، آنگاه مواد زوغنی شکل یا نفت به تدریج از لایه‌های روسوبی عبور کرده و هنگامی که به طاق‌دیس‌ها یا حفره‌های مناسب برسند، در آنجا هموار می‌شوند و طی یک عملیات مهندسی کشف شده و استخراج می‌گردند. برخی از اندیشمندان می‌گویند خواستگاه همه‌ی انرژی‌ها به خورشید باز می‌گردد، همان گونه که انرژی باد، جزر و مد و گرما از آن خورشید است. اگر خورشید نبود، شاید نفتی هم به وجود نمی‌آمد و باید اضافه کرد هر چه قدر نفت کهنه‌تر باشد، سبک‌تر و مرغوب‌تر می‌شود و بالعکس، نفتی که جوان است را نفت سنگین می‌گویند. میزان گوگرد موجود در نفت نیز عامل مهمی است. نفتی که شیرین است، گوگرد ندارد، نفتی که ترش است، دارای گوگرد است.

۲. تاریخچه آشنایی مردم با نفت:

نفت ماده‌ای شناخته شده برای تمام ادوار بشر بوده است. تقریباً از اوایل قرن نوزدهم کلیه دانشمندان به این نکته پی بردند که نفت ماده‌ای بسیار گران‌بها و تهی‌پذیر می‌باشد.

استعمال مواد نفتی از زمان‌های قدیم در میان ایرانیان متداول بوده است. نفت سفید را معمولاً به عنوان دارو مصرف می‌کردند و همچنین مومینا را که از ترکیبات مواد نفتی است، به عنوان یکی از گران‌بهاترین و موثرترین داروها برای علاج شکستگی استخوان و شفای بیماری‌های دیگر به کار می‌بردند. در جنگ‌ها

نیز از خاصیت استعمال نفت استفاده می‌کردند. عربها استعمال نفت را در جنگ‌ها از ایرانیان و رومیان یاد گرفتند. نفت را معمولاً در داخل ظروفی که قاروره نامیده می‌شد، آتش زده و به سوی دشمن پرتاب می‌کردند. موارد استفاده از نفت و مواد نفتی نه چون امروز و اگر نه متعدد، ولی در حد خود متنوع بوده است. از جمله این که از نفت برای سوخت، وسیله روشنایی، ایجاد گرما و از قیر به صورت مصالح در ساختمان‌ها و برای قیراندود و رد کردن و پوشش مجاری آب و سدبندی و حتی قیراندود کردن کشتی‌ها برای جلوگیری از نفوذ آب، در راه‌سازی استفاده می‌شده است.

جان شاردن جهانگرد فرانسوی که در اواخر قرن هفدهم میلادی در ایران بوده، در سفرنامه خود می‌نویسد: «نفت سیاه و سفید در مازندران یافت می‌شود و ایرانیان آن را برای رفع سرماخوردگی و معالجه زخم سر (کچلی) و مارگزیدگی و روشنایی و سوخت و رنگ کردن اشیاء به کار می‌بردند».

مصرف نفت در عصر زغال سنگ و پیش از آن محدود به مصارف جزئی و ناحیه‌ای می‌گردید. اما پس از آن که در نیمه دوم قرن نوزدهم به طریق علمی حفاری‌هایی برای تولید نفت صورت گرفت و نفت از اعماق زمین بیرون آورده شد، مصرف آن نیز فزونی گرفت و ارزش‌ها و کاربردهای گوناگون آن به تدریج شناخته شد.

در جهان امروز، نفت نه تنها به عنوان یک عامل تعیین‌کننده اقتصادی و صنعتی، بلکه به عنوان یک عامل سیاسی و امنیتی نیز مطرح می‌باشد. در واقع نفت یک فاکتور سیاسی در جهت رسیدن به هدف‌های اقتصادی، صنعتی، سیاسی و در جهت تأمین امنیت ملی به حساب می‌آید.

هدف همه جوامع بشری و به‌ویژه هدف همه دولت‌ها، دست یافتن به میزانی از رشد اقتصادی است که بتواند رفاه جامعه را تأمین کند.^۱ رسیدن به این

^۱ - ایرج ذوقی، مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران، انتشارات پازنگ تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۲.

هدف یا میزان رشد اقتصادی مورد نظر، مستلزم برخورداری و بهره‌وری از دو عامل سرمایه و انرژی می‌باشد. از همین جا رابطه رشد اقتصادی و انرژی معلوم می‌گردد.

رابطه‌ای مستقیم، به این معنی و به بیانی دیگر رفاه، مستلزم رشد اقتصادی و رشد اقتصادی مستلزم برخورداری از انرژی است. با توجه به این‌که مالک نفت بودن در جهان امروز به معنای تأمین کسب سرمایه نیز می‌باشد، ارزش و اهمیت نفت هم بعنوان یک منبع انرژی و هم یک منبع تأمین سرمایه، مقام والا و بالایی پیدا می‌کند.

نفت علاوه بر تأمین انرژی حرارتی و مصارف خانگی، کاربردهای مختلفی در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات دارد. قوه محرک در امر حمل و نقل و ماشین‌آلات تولیدی در کارخانجات مختلف از نفت حاصل می‌گردد. ماده‌اولیه و خام صنایع و تولیدات پتروشیمی و شیمیایی را با چندین هزار فرآورده گوناگون، نفت تشکیل می‌دهد.

نفت به طور مستقیم و غیر مستقیم ایجاد کار و اشتغال می‌کند. صنعت نفت مراحل مختلفی را چون اکتشاف، استخراج و تولید، حمل و نقل، پالایش، پتروشیمی و توزیع را شامل می‌گردد. در مراحل فوق همه‌ی علوم و فنون بشری بکار گرفته شده‌اند و مستقیماً ایجاد کار و اشتغال کرده و به طور غیرمستقیم نیز در صنایع وابسته به نفت چون صنایع اتومبیل‌سازی، لاستیک‌سازی، پلاستیک، مشمع‌سازی، لوله‌سازی و غیره که شبکه بزرگی از صنایع را به وجود می‌آورند، به ایجاد اشتغال اعم از تخصصی و غیرتخصصی کمک می‌کند.

نفت در بخش کشاورزی با کمک به تولید فرآورده‌های شیمیایی چون کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات، تحول و انقلابی بزرگ در زمینه تولیدات کشاورزی را فراهم آورده که به انقلاب سبز معروف است.

در بخش خدمات نیز در هر زمینه که متصور باشد، نفت نقشی پراهمیت دارد. حمل و نقل فرآورده‌ها و تولیدات گوناگون مورد نیاز انسان و استفاده از نفت

و فرآورده‌ها و مشتقات مختلف آن در زمینه ارائه خدمات پزشکی و بهداشتی و دارویی، خدمات مالی و اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و نظامی همه متکی به نفت می‌باشند.

www.ketab.ir

۳. تعریف مفاهیم در صنعت نفت:

۱-۱. ی. آی:

مرغوبیت نفت خام با وزن مخصوص آن تعیین می‌شود. هر قدر وزن مخصوص نفت بیشتر باشد، مرغوبیت آن کمتر است.

۲- نفت سبک:

نفت سبک به نفتی اطلاق می‌گردد که ا. پی. آی آن ۳۴ یا بیشتر باشد و از آن برای تهیه بنزین استفاده می‌شود.

۳- نفت سنگین:

چنانچه وزن مخصوص نفت خام ۲۰ درجه یا کمتر باشد، نفت سنگین به حساب می‌آید.

نفت متوسط:

نفت با وزن مخصوص ۲۰ تا ۳۴، ا. پی. آی را نفت متوسط می‌گویند.

ذخیره:

موجودی نفت هر میدان (منطقه، کشور) را ذخیره آن می‌نامند. ذخیره به ذخیره اثبات شده^۱ و ذخیره احتمالی^۲ تقسیم می‌شود.

۴- ذخیره اثبات شده:

^۱ Proved reserve

^۲ Probably reserve

مقدار نفتی که در شرایط اقتصادی و تکنولوژیک جاری قابل استحصال باشد، ذخیره اثبات شده نامیده می‌شود.

۵- ذخیره احتمالی:

مقدار نفتی است که با صرف سرمایه‌گذاری مجدد و حفر چاه‌های توسعه‌ای به ذخایر اثبات شده تبدیل گردد.

۶- تقاضا:

به مقدار نفت مصرفی به علاوه ذخیره‌سازی هر کشور (برای مدت مشخص، یک سال) تقاضا گفته می‌شود.

۷- بخش بالادستی^۱:

به سرمایه‌گذاری در زمینه اجاره، تملک، امتیاز اکتشاف، حفاری، استخراج و توسعه حوزه نفتی گفته می‌شود.

۸- بخش پائین دستی^۲:

به سرمایه‌گذاری در تأسیس و توسعه پالایشگاه‌ها، لوله‌کشی و ایجاد شبکه‌ها، تأسیس دفاتر بازاریابی، توزیع مواد نفتی و فروش اطلاق می‌گردد.

۹- عملیات نفتی^۳:

^۱ Upstream

^۲ Down Stream

^۳ Petroleum Operations

کلیه امور مربوط به اداره و بهره‌برداری از صنعت نفت اعم از اکتشاف، توسعه، استخراج، پالایش، حمل و نقل، پخش و فروش اطلاق می‌گردد.

۱۰- بشکه^۱:

واحد سنجش حجم نفت خام معادل ۴۲ گالن آمریکایی در ۶۰ درجه فارنهایت و فشار معمولی جو، به عبارت دیگر هر بشکه برابر ۱۵۹/۲ لیتر است.

۱۱- تن^۲:

هر ۷/۴۹ بشکه معادل یک تن است.

۱۲- فلات قاره^۳:

برابر ماده اول مقاومت نامه ۱۹۵۸ ژنو عبارت است از: بستر دریا و قسمت‌های تحت‌الارضی مناطق دریایی مجاور ساحل که در خارج ساحلی واقع شده باشد. یعنی از دریای ساحلی تا عمق ۲۰۰ متری دریا تا جایی که اجرای عملیات بهره‌برداری از منابع زیر دریا میسر باشد.

^۱ Bareel

^۲ Tonne

^۳ Continental

۱۳- فوب^۱:

یک نوع قرارداد به معنای تحویل کالا در کارخانه نقطه بارگیری است. لذا مسئولیت کالا تا تحویل به کشتی با فروشنده است. هزینه حمل و مسئولیت کالا در کشتی با خریدار است. (قیمت کالا بدون احتساب بیمه و حمل).

۱۴- سیف^۲:

به پرداخت قیمت کالا، هزینه، بیمه و حمل تا مقصد از سوی خریدار به فروشنده سیف گفته میشود.

۱۵- ساحلی^۳:

منابع نفت یا گاز واقع در خشکی را ساحلی گویند.

۱۶- غیر ساحلی^۴:

منابع نفت یا گاز خارج از خشکی زیر آب‌های ساحلی با فلات قاره را غیرساحلی گویند.^۵

^۱ Fob Free On Board

^۲ Safe

^۳ On shore

۴- میرطیب موسوی، علیرضا امینی، همان منبع، ص ۲۲.

^۵ Off Shore